

درگفت‌وگوی «قاب کوچک» با محمدصادق ملک، بازیگر نقش کیاوش مطرح شد

# شیفته نقش‌های خاکستری هستم

استفاده کنم تا بدون تغییر یا حذف، ادای آنها راحت‌تر شود. در بیان جملات کیاوش، سعی بر این بوده که زبان نویسنده برای کاراکتر کشف شود، به نحوی که تماشاگر قبول کند که یک شخصیت می‌تواند این‌گونه سخن بگوید و برای او باورپذیر شود.

## تلفیق بیان کتابی و روز

وی در پاسخ به این سؤال که آیا دوگانگی گویش‌ها برای بازیگران مشکلی ایجاد نکرده است، گفت: در این مجموعه علاوه بر ادبیات کتابی، بیشتر کاراکترها به روزتر و راحت‌تر صحبت می‌کنند. شاید این تنوع زبانی یکی از خصوصیات قابل توجه مستوران باشد و با توجه به نحوه برخورد عوامل اجرایی با این گویش‌ها، خروجی مشخص می‌شود. البته برخی آن را نوعی چالش می‌دانند و چون بر این باورند که این گویش‌ها، دوران ذهن مخاطب است در نتیجه قدری ساده‌تر ادای می‌کنند که البته نتیجه متفاوتی حاصل می‌شود. ولی من به شخصه، همان مسیر پیشنهادی کارگردان را پیگیر شدم و فکر می‌کنم روی کاراکتر هم نشسته و جواب داده است. البته معتقدم در مورد کاراکترهای دیگر، این اختلافات بیانی در آن حدی نیست که بیرون زده باشد، چرا که با توجه به بافت رئالیستی امروزی در همین دوران هم قشرهای مختلف افراد، ادبیات کلامی مختلفی به کار می‌برند.

او توضیح داد: گفتار فردی که در بازار دستفروشی می‌کند با فردی که کارمند یک شرکت است، طبیعتاً متفاوت است. کلام یک سیاست‌عاشق پیشه مستورانی، باید با افراد کوچه بازار یا حتی طبیب متفاوت باشد. نویسنده ضمن مد نظر قرار دادن این مسئله موجب شده تنوعی در گویش‌ها ایجاد شود که همین، جزئی از اعتبار کار شده است. درخصوص سریال‌های تاریخی طی سال‌های گذشته، این اتفاق افتاده که همگی با یک الگوی زبانی، حرف می‌زنند. در صورتی که تنوع گویش در مستوران موجب می‌شود مخاطب در ادامه لذت بیشتری از آن ببرد. طبیعی است، قدری کار برای بازیگر سخت شود و او باید گویش خود را کنار نهد و سیستم جدید پیشنهادی در زبان را آغاز کند که در این صورت صدا و رفتار بازیگر هم تحت الشعاع قرار می‌گیرد. بازیگر باید روی تکت تکت کلمات تمرکز و به نوعی آنها را ادا کند که برای تماشاگر باورپذیر باشد؛ این مسئله سختی‌های خود را لااقل برای خود من در اجرا داشت ولی با توجه به نحوه برخورد من با آن، این چالش‌ها به جذابیت نقشم کمک کرد و در نهایت لذت بیشتری از آن بردم. خوشبختانه تجربه نقش کیاوش فرصتی بود تا علاوه بر سایر چالش‌های حسی در چالش‌های زبانی این پروسه خلاقه، شریک باشم.

## باز شدن مسیر پیشنهادها

ملک با اشاره به اتفاق‌هایی که بعد از مستوران برای مسیر بازیگری او رقم خورده است، اضافه کرد: در حال حاضر مسیر پیشنهادها باز شده و هر قدر در پخش مجموعه، جلوتر می‌رویم، این پیشنهادها بیشتر می‌شود. در این مدت پیشنهادهایی از چند کارگردان چون راما قویدل و کمال تبریزی داشتم. همچنین چند تئاتر و یک سریال دیگر نیز به من پیشنهاد شده است که هنوز با آنها به تفاهم نهایی نرسیده‌ام. اما به احتمال قوی با فیلم سینمایی ۹۱ که آقای پناهی تهیه‌کننده آن است، شروع به همکاری کنم. وی با تأکید بر سختی‌های پروژه و تجارب بازیگری خود، گفت: باتوجه به این‌که در «بانوی عمارت» تجربه افتادن از اسب و شکسته شدن استخوان ترقوه را داشتم، همان تجربه موجب شد تمرین‌های بدنی و سوارکاری را جدی‌تر انجام بدهم و خوشبختانه با وجود حجم قابل توجه سوارکاری در سریال، اتفاق ویژه‌ای برای شخص من رخ نداد.



**محمدصادق ملک، بازیگر نقش وزیراعظم در سریال مستوران ۲ است که در این قامت تا امروز خوش درخشیده. او شخصیتی چندلایه و متفاوت را به تصویر کشیده است. با این بازیگر که پیشتر او را در سریال‌های بانوی عمارت، از سرنوشت و... دیده‌ایم، گفت‌وگو کردیم.**

نداحسنی

روزنامه نگار

محمدصادق ملک، بازیگر نقش کیاوش در مستوران ۲ درخصوص این فصل از مجموعه به قاب کوچک گفت: به عقیده من «مستوران» نقطه عطفی در سریال‌سازی بعد از انقلاب است. در مسیری که ما به صورت آزمون و خطایی پیش می‌رویم تا به روش‌هایی برای ساخت سریال برسیم، مستوران یک نمونه موفق است. هماهنگی همراه با حسن‌نیت تهیه‌کننده، کارگردان، دستیاران، تیم تولید و عوامل اجرایی، مسیر یک پروسه خلاقه را هموار کرد؛ هم تهیه‌کننده و کارگردان خلاقیت خود را به نمایش گذاشتند و هم عوامل اجرایی موفق شدند در این بستر امن کار خود را انجام دهند. این مجموعه در عین این‌که پروژه پرچالش و کارسختی بود اما به دلیل همگنی و هماهنگی، نزدیکی سلیقه‌ها به هم و تعامل خوب عوامل با یکدیگر، تبدیل به پروژه‌ای شد که یکی از نقاط عطف سریال‌سازی ما به حساب می‌آید. وی پیرامون نقش خود در این مجموعه یادآور شد: خوشبختانه نقش کیاوش، مثل سایر نقش‌هایی که در مستوران ۲ وجود دارد، خیلی درست و دقیق نوشته شده و ویژگی‌های جذابی برای آن در نظر گرفته شده است. برای ایفای این نقش، من نیز چون بقیه، سعی کردم با کارگردان خلاق، در عین حال پیرانری و باگذشت مجموعه تعامل بیشتری داشته باشم تا بتوانم به هدایت و راهنمایی‌های ارائه شده، ابعاد دیگری از این کاراکتر را به نمایش بگذارم. خوشبختانه بازخورد‌های مثبتی از مخاطبان و دوستان نزدیکی که در تئاتر دارم گرفتم. به‌ویژه مخاطبانی که به شکل ثابت، کارها را دنبال می‌کنند و اتفاقاً مخاطبان سختگیری هم هستند. هرچند که بازیگر در تئاتر نسبت به سینما و تلویزیون آزادی عمل بیشتری دارد و در تلویزیون به خاطر گستردگی رسانه، همواره محدودیت‌هایی وجود دارد اما این سریال، همان حس و حال و آزادی عمل صحنه تئاتر را برای من تداعی کرد و توانستم به همان اندازه خلاقیت خود را بروز دهم. این مسئله بسیار لذتبخش بود. این‌که در سینما و تلویزیون بستری فراهم شود تا بتوان سطوح دیگری از کیفیت را به مخاطب ارائه داد، موجب امیدواری و خرسندی است.

## استقبال از پیشنهادهای چالش برانگیز

این بازیگر که پیش از این نیز در نقش‌های منفی مجموعه‌هایی چون «بانوی عمارت» و «از سرنوشت» حضور داشته در این باره، توضیح داد: معمولاً نقش‌های پیشنهادی به نوعی مرا به چالش می‌کشند و خدا را شکر تا به امروز اتفاق‌های خوبی برای من رقم خورده است. اگر حمل بر ادعا نشود، باتوجه به این‌که در حال حاضر به لحاظ سن و تجربه در

شرایطی هستم که تا حد امکان بتوانم از پس نقش‌هایی که بر عهده‌ام گذارده می‌شود، برآیم، در نتیجه برای پذیرش نقش‌های پیشنهادی دسته‌بندی خاصی ندارم که صرفاً نقش منفی یا مثبت را قبول کنم. هر پیشنهادی که مرا بیشتر به چالش بکشد برایم جالب‌تر است. از این رو نقش‌هایی را که دوست دارم، بیشتر خاکستری هستند یعنی صرفاً منفی یا مثبت نیستند، چرا که معتقدم به استثنای برخی کارهای ویژه که به کلیشه‌ها نزدیک‌ترند، شخصیت تک‌بعدی نداریم. حتی همان نقش منفی در مواردی خوبی‌هایی دارد که شخصیت او را خاکستری، در عین حال قابل‌باور و در جاهایی دوست‌داشتنی می‌کند. بنابراین من به همه پیشنهادهایی که می‌شود احترام می‌گذارم، مثبت یا منفی بودن نقش برایم اولویت ندارد و تنها هدف من این است که نقش را آبرومند اجرا کنم. محمدصادق ملک به گویش خود و سایر بازیگران در مستوران پرداخته و ادامه داد: به‌طور کلی وقتی نویسنده اثری، ادبیات خاصی را برای یک یا چند کاراکتر به کار می‌برد، درواقع به تیم اجرایی، بازیگران و طراحان کمک می‌کند تا ویژگی تازه و خاصی را برای کاراکتر قائل شوند که همین امر می‌تواند دستاویز خوبی برای بازیگر باشد و از

پیشنهاد نویسنده استقبال کند. هرچند که ادای برخی گویش‌ها برای بازیگر با سختی‌هایی همراه است و شاید آن نوع گویش از زبان محاوره بازیگر بسیار دور باشد اما این هنر بازیگر است که آن ادبیات را در کاراکتر خویش کشف کند و متوجه استفاده از آن برای نقشی که بازی می‌کند باشد. در مورد کیاوش یا همان مشاور اعظم نیز نویسنده روی ادیب بودن، اهل کتاب و باسواد بودن نقش در این مجموعه تأکید دارد. بنابراین تا حد امکان از کلمات و ترکیب‌هایی برای این کاراکتر استفاده کرده که به‌ظاهر کلمات سختی هستند؛ اما وقتی به قولی قلق آن به دست بیاید، تبدیل به یک ویژگی می‌شود که من بازیگر می‌توانم از آن بهره‌برده و شخصیت جدیدی را خلق کنم و همین برای من خیلی جذاب بوده است. من حتی سعی کردم که تا حد ممکن از حروف اضافه، صامت‌ها و مصوت‌هایی که نویسنده پیشنهاد داده، به نوعی



## به‌طور کلی وقتی

## نویسنده اثری، ادبیات

## خاصی را برای یک

## یا چند کاراکتر

## به کار می‌برد، درواقع

## به تیم اجرایی،

## بازیگران و طراحان

## کمک می‌کند تا ویژگی

## تازه و خاصی را برای

## کاراکتر قائل شوند



برای خواندن متن کامل گزارش را اسکن کنید